

## سبب طوفان نوح في توراة ديني و غضب إلهي:

در تورات، علت طوفان نوح، دینی و ناشی از خشم الهی می‌باشد:

وفي قصة التوراة أمور واضحة البطلان؛ لأنها متناقضة مع ثوابت علمية منها:

در تورات مواردی وجود دارد که به وضوح باطل می‌باشد؛ زیرا با حقایق ثابت‌شده علمی در تناقض است؛ از جمله:

- إن سفينة نوح حملت زوجاً من كل حيوان يعيش على الأرض:

- کشتی نوح از هر حیوانی که بر روی زمین زندگی می‌کرد، یک زوج برداشته است:

«وكل الوحوش كأجناسها وكل البهائم كأجناسها وكل الدبابات التي تدب على الأرض كأجناسها وكل الطيور كأجناسها كل عصفور كل ذي جناح. 15 ودخلت إلى نوح إلى الفلك اثنين اثنين من كل جسد فيه روح حيوة. 16 والداخلات دخلت ذكرا وأنثى من كل ذي جسد كما أمره الله. وأغلق الرب عليه».

«و همه حیوانات به اجناس آنها، و همه بهایم به اجناس آنها، و همه حشراتی که بر زمین می‌خزند به اجناس آنها، و همه پرندگان به اجناس آنها، همه مرغان و همه بالداران. ۱۵ دودو از هر ذی‌جسدی که روح حیات دارد، نزد نوح به کشتی در آمدند. ۱۶ و آنهایی که آمدند نر و ماده از هر ذی‌جسد آمدند، چنانکه خدا وی را امر فرموده بود. و خداوند در را از عقب او بست».

- إِنَّ الْأَرْضَ كُلَّهَا غَطَّتْهَا الْمِيَاهُ وَبَارْتِفَاعَ يَعْلُو أَعْلَى جَبَلٍ عَلَى الْأَرْضِ بِخَمْسَةِ عَشْرَ ذِرَاعاً:

- سراسر زمین با آب پوشانده شد و آب به اندازه‌ای بالا آمد که پانزده ذراع، از قله بلندترین کوه‌های زمین نیز بالاتر رفته بود:

«وتعاظمت المياه كثيرا جدا على الأرض. فتغطت جميع الجبال الشامخة التي تحت كل السماء. 20 خمس عشرة ذراعا في الارتفاع تعاظمت المياه. فتغطت الجبال. 21 فمات كل ذي جسد كان يدب على الأرض. من الطيور والبهائم والوحوش وكل الزحافات التي كانت تزحف على الأرض وجميع الناس. 22 كل ما في نفه نسمة روح حيوة من كل ما في اليابسة مات. 23 فمحا الله كل قائم كان على وجه الأرض. الناس والبهائم والدبابات وطيور السماء. فانمحت من الأرض وتبقى نوح والذين معه في الفلك فقط.»

«و آب بر زمین زیاد و زیاد غلبه یافت، تا آنکه همه کوه‌های بلند که زیر تمامی آسمان‌ها بود، مستور شد. ۲۰ پانزده ذراع بالاتر، آب غلبه یافت و کوه‌ها مستور گردید. ۲۱ و هر ذی جسدی که بر زمین حرکت می‌کرد، از پرندگان و بهایم و حیوانات و کل حشرات خزنده بر زمین، و جمیع آدمیان، مردند. ۲۲ هرکه دم روح حیات در بینی او بود، از هر که در خشکی بود، مرد. ۲۳ و خدا محو کرد هر موجودی را که بر روی زمین بود، از آدمیان و بهایم و حشرات و پرندگان آسمان، پس از زمین محو شدند. و نوح با آنچه همراه وی در کشتی بود فقط باقی ماند.»

- إِنَّ نُوحاً بَقِيَ مَعَ ذَلِكَ الْكَمِّ الْهَائِلِ مِنَ الْحَيَوَانَاتِ وَمَا تَحْتَاجُهُ مِنْ غِذَاءٍ فِي السَّفِينَةِ أَكْثَرَ مِنْ سَنَةٍ:

- نوح با این خیل انبوه حیوانات و غذاهایی که نیاز داشتند، بیش از یک سال در کشتی ماند:

«6 ولما كان نوح ابن ست مئة سنة صار طوفان الماء على الأرض. 7 فدخل نوح وبنوه وامراته ونساء بنيه معه إلى الفلك من وجه مياه الطوفان..... 11 في سنة ست مئة من حيوة نوح في الشهر الثاني في اليوم السابع عشر من الشهر في ذلك اليوم انفجرت كل ينابيع الغمر العظيم وانفتحت طاقات السماء»(1).

1. العهد القديم - سفر التكوين - الأصحاح 7.

«٦ و نوح ششصد ساله بود، چون طوفان آب بر زمين آمد. ٧ و نوح و پسرانش و زنش و زنان پسرانش با وی از آب طوفان به کشتی در آمدند..... ١١ و در سال ششصد از زندگانی نوح، در روز هفدهم از ماه دوم، در همان روز جميع چشمه‌های لجه عظیم شکافته شد، و روزن‌های آسمان گشوده»(1).

1. کتاب مقدس، عهد عتیق، سفر پیدایش، باب ٧.

«14 وفي الشهر الثاني في اليوم السابع والعشرين من الشهر جفت الأرض 15 وكلم الله نوحا قائلاً. 16 أخرج من الفلك أنت وامراتك وبنوك ونساء بنيك معك»(2).

2. العهد القديم - سفر التكوين - الأصحاح 8.

«١٤ و در روز بیست و هفتم از ماه دوم، زمین خشک شد. ١٥ آنگاه خدا نوح را مخاطب ساخته، گفت: ١٦ از کشتی بیرون شو، تو و زوجات و پسرانت و ازواج پسرانت با تو»(2).

2. کتاب مقدس، عهد عتیق، سفر پیدایش، باب ٨.

والأمور المتقدمة واضحة البطلان، فلا يوجد لديهم أي تفسير علمي لكميات المياه التي تغطي كل الجبال على الأرض حيث إنّ الأرض لا تتوفر على هذه الكمية من المياه.

بطلان این موارد بدیهی است. آنها هیچ تفسیر علمی برای این آب‌های انبوه که تمام کوه‌های زمین را پوشاند، ارائه نکرده‌اند؛ چرا که اصولاً این مقدار آب در زمین وجود ندارد.

ولا يوجد تفسير منطقي لبقاء هذا الكم الهائل من الحيوانات حية على متن السفينة لمدة تزيد عن السنة، فكيف حملتها السفينة مع كميات غذاء تكفيها لمدة تزيد عن سنة كما في القصة التوراتية؟ من أين جاء نوح بلحم يكفي الوحوش التي حملها بحسب القصة التوراتية لمدة تزيد عن السنة؟

در ضمن هیچ توجیهی برای چگونگی باقی ماندن این همه حیوان زنده بر روی کشتی آن هم به مدت بیش از یک سال وجود ندارد. طبق این داستان تورات، نوح چگونه آن مقدار غذا که برای بیش از یک سال کافی باشد را در کشتی جای داده است؟ نوح از کجا گوشت کافی برای درندگان که طبق این داستان، آنها را بیش از یک سال بر کشتی سوار کرده بود، فراهم کرد؟

«في سنة ست مئة من حيوة نوح في الشهر الثاني في اليوم السابع عشر من الشهر في ذلك اليوم انفجرت كل ينابيع الغمر العظيم وانفتحت طاقات السماء. 12 وكان المطر على الأرض أربعين يوماً وأربعين ليلة. 13 في ذلك اليوم عينه دخل نوح وسام وحام ويافت بنو نوح وامرأة نوح وثلاث نساء بنيه معهم إلى الفلك..... وكان في السنة الواحدة والست مئة في الشهر الأول في أول الشهر أن المياه نشفت عن الأرض. فكشف نوح الغطاء عن الفلك ونظر فإذا وجه الأرض قد نشف. 14 وفي الشهر الثاني في اليوم السابع والعشرين من الشهر جفت الأرض 15 وكلم الله نوحاً قائلاً. 16 أخرج من الفلك أنت وامراتك وبنوك ونساء بنيك معك. 17 وكل الحيوانات التي معك من كل ذي جسد الطيور والبهائم وكل الدبابات التي تدب على الأرض أخرجها معك. ولتتوالد في الأرض وتثمر وتكثر على الأرض. 18 فخرج نوح وبنوه وامراته ونساء بنيه معه. 19 وكل الحيوانات كل الدبابات وكل الطيور كل ما يدب على الأرض كأنواعها خرجت من الفلك 20».

«و در سال ششصد از زندگانی نوح، در روز هفدهم از ماه دوم، در همان روز جمیع چشمه‌های لجة عظیم شکافته شد، و روزن‌های آسمان گشوده. ۱۲ و باران، چهل روز و چهل شب بر روی زمین می‌بارید. ۱۳ در همان روز نوح و پسرانش، سام و حام و یافت، و زوجه نوح و سه زوجه پسرانش، با ایشان داخل کشتی شدند..... و در سال ششصد و یکم در روز اول از ماه اول، آب از روی زمین خشک شد. پس نوح پوشش کشتی را برداشته، نگرست، و اینک روی زمین خشک بود. ۱۴ و در روز بیست و هفتم از ماه دوم، زمین خشک شد. ۱۵ آنگاه خدا نوح را مخاطب ساخته، گفت: ۱۶ «از کشتی بیرون شو، تو و زوجات و پسرانت و ازواج پسرانت با تو. ۱۷ و همه حیواناتی را که نزد خود داری، هر ذی‌جسدی را از پرندگان و بهایم و کل حشرات خزنده بر زمین، با خود بیرون آور، تا بر زمین منتشر شده، در جهان بارور و کثیر شوند.» ۱۸ پس نوح و پسران او و زنش و زنان پسرانش، با وی بیرون آمدند. ۱۹ و همه حیوانات و همه حشرات و همه پرندگان، و هر چه بر زمین حرکت می‌کند، به اجناس آنها، از کشتی به در شدند. ۲۰.»

أيضاً: أين آثار هذه الكميات الكبيرة من المياه والحال أن آثار الأحداث الأرضية موجودة ويمكن قراءتها للمليارات السنين فكيف بحدث لم يمر عليه سوى بضعة آلاف من السنين، كيف اندرست آثاره؟!

در ضمن نشانه‌ها و آثار این آب‌های فراوان کجا است؟ حال آنکه آثار رویدادهای زمین‌شناختی که تاریخ‌شان به میلیاردها سال پیش بازمی‌گردد، موجود است و می‌توان آنها را مطالعه نمود؛ حال چگونه آثار و علائم رویدادی که بیشتر از چند هزار سال از آن نگذشته، کاملاً محو و نابود شده است؟!

ربما سيقولون: أخفيت بالمعجزة!

شاید بگویند: با معجزه پنهان و محو شده است!

ولكن هكذا سيكون الأمر عبارة عن قصة خيالية وكلما دخلت في نفق مظلم وتبين أنها تناقض الثوابت العلمية ولا وجود تاريخي لها علل ذلك بالمعجزة في حين أن إتيان الله بالمعجزة لابد أن يكون لحكمة ولسبب حكيم وليس للعبث أو لتضليل الناس وإخفاء الحقائق والأحداث كطوفان نوح (عليه السلام).

البته در این صورت، ماجرا یک قصه پردازی تخیلی خواهد بود. هر جا که موضوع بغرنج و گیج‌کننده می‌شود و مشخص می‌گردد که قضیه با حقایق اثبات‌شده علمی ناسازگار و فاقد شواهد تاریخی است، دلیل آن را معجزه می‌دانند و حال آنکه ارائه معجزه از سوی خداوند باید از روی حکمت و دلیل حکیمانه باشد؛ و نه کاری عبث یا برای گمراه کردن انسان و پوشیده ساختن وقایع و رویدادهایی همچون طوفان نوح (عليه السلام).

فيجب الانتباه إلى أن قصة الطوفان قصة تاريخية وبالتالي فكل ما يحيط بها يمكن التأكد منه علمياً، فوجود أي شيء غير صحيح في قصتها يمكن كشفه الآن بسهولة من خلال العلم، ولهذا فلن تبقى إلا القصة الصحيحة التي لا تتناقض مع الحقائق العلمية التي تقدمها الجيولوجيا التاريخية ونتائج الفحوصات العلمية الدقيقة.

باید به این نکته مهم نیز توجه داشت که ماجرای طوفان، یک داستان تاریخی است و از همین رو موضوعات مربوط به آن را می‌توان به لحاظ علمی بررسی و تأیید کرد. بر این اساس امروزه به واسطه علم می‌توان هر چیز نادرست در این داستان را به آسانی کشف و شناسایی کرد. به این ترتیب فقط داستان درست و واقعی بر جای می‌ماند؛ داستانی که با حقایق علمی که زمین‌شناسی تاریخی و نتایج کاوش‌های دقیق علمی به دست می‌دهد، تناقضی ندارد.

في الحقيقة إنّ القصة الواردة في التوراة لا يمكن ترقيعها بحال، فهي واضحة البطلان حتى وإن قالوا: إن الطوفان محلي ووقع على بقعة محددة من الأرض، تبقى أمور في القصة التوراتية لا يمكن أن تتوافق مع العلم والحقائق بحال كقضية بقاء الدواب والوحوش حية مع نوح (عليه السلام) على سفينة بالمقاسات المذكورة ولدة تزيد عن سنة، فمن أين جاء لها نوح (عليه السلام) بكميات ماء وغذاء تكفيهم لهذه المدة الطويلة، ولو جاء لها بهذه الكميات الكبيرة فكيف حملتها سفينة بهذه المقاسات.

واقعت أن است كه داستان طوفان تورات را بهیچوجه نمی شود اصلاح کرد، زیرا نادرستی آن کاملاً هویدا است. حتی اگر بگویند این طوفان محلی بوده و در بخش خاص و محدودی از زمین روی داده است، باز هم در داستان منقول تورات مواردی باقی می ماند که نمی توان آن را با علم و واقعیتها یکجا جمع نمود؛ مانند ماجرای باقی ماندن احشام و درندگان زنده با نوح (عليه السلام) در کشتی با اندازه مذکور، آن هم برای بیش از یک سال. نوح (عليه السلام) این همه آبوغذا را که در این مدت طولانی برای این حیوانات کافی باشد، از کجا آورده بود؟ و اگر چنین آبوغذاهای فراوانی فراهم کرده باشد، چگونه یک کشتی در این اندازه توانسته است آنها را حمل کند؟

وهذه الحقيقة دليل قاطع على أحد أمرين:

این حقیقت دلیل قاطعی بر یکی از این دو نتیجه می باشد:

إما أنّ التوراة محرفة، وهذا يلزم منه أنّ الدين اليهودي الحالي منحرف عن دين الله سبحانه والدين المسيحي كذلك؛ لأنه يقر بصحة ما في كتاب العهد القديم أو التوراة.

\* یا تورات تحریف شده است، و این خود مستلزم آن است که دین فعلی یهود، از دین خداوند سبحان انحراف یافته باشد. همین حکم درباره دین مسیحیت نیز جاری است، زیرا این دین مؤید مطالب کتاب عهد قدیم یا تورات می‌باشد.

وإما أنّ الدين اليهودي وكذا المسيحي باطلان ومن تأليف الإنسان، وأنّ التوراة تأليف إنساني محض.

\* یا دین یهودیت و مسیحیت باطل بوده و از گردآورده‌های انسان تشکیل یافته‌اند و تورات نیز صرفاً تألیف بشر می‌باشد.

بالنسبة لنا نختار أنّ التوراة محرفة، وأنّ الدين المسيحي الذي أقر صحة ما ورد فيها دين محرف وباطل.

ما این نتیجه را برمی‌گزینیم که تورات تحریف شده و دین مسیحیت نیز که مؤید مطالب تورات است، باطل و تحریف‌شده می‌باشد.

\*\*\*\*\*